

# فهرست

۱۰۳	پاسخنامه تشریحی	۷	ستایش: ملکا ذکر تو گویم
	<b>فصل ۵: ادبیات انقلاب اسلامی</b>		<b>فصل ۱: ادبیات تعلیمی</b>
۱۰۵	درس دهم: فضل شکوفایی	۹	درس یکم: شکر نعمت
۱۰۷	کارگاه متن پژوهی	۱۵	کارگاه متن پژوهی
۱۰۷	گنج حکمت: تیرانا	۱۶	گنج حکمت: گمان
۱۰۹	پرسش‌های تشریحی و تستی	۱۶	پرسش‌های تشریحی و تستی
۱۱۲	پاسخنامه تشریحی	۲۰	پاسخنامه تشریحی
۱۱۴	درس یازدهم: آن شب عزیز	۲۲	درس دوم: مست و هشیار
۱۱۸	کارگاه متن پژوهی	۲۴	کارگاه متن پژوهی
۱۱۹	شعرخوانی: شکوه چشمان تو	۲۵	شعرخوانی: در مکتب حقایق
۱۲۱	پرسش‌های تشریحی و تستی	۲۷	پرسش‌های تشریحی و تستی
۱۲۴	پاسخنامه تشریحی	۳۱	پاسخنامه تشریحی
	<b>فصل ۶: ادبیات حماسی</b>		<b>فصل ۲: ادبیات پایداری</b>
۱۲۵	درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش	۳۳	درس سوم: آزادی
۱۳۲	کارگاه متن پژوهی	۳۴	دفتر زمانه
۱۳۳	گنج حکمت: به جوانمردی کوش	۳۵	کارگاه متن پژوهی
۱۳۵	پرسش‌های تشریحی و تستی	۳۷	گنج حکمت: خاکریز
۱۳۸	پاسخنامه تشریحی	۳۷	پرسش‌های تشریحی و تستی
۱۳۹	درس سیزدهم: خوان هشتم	۴۰	پاسخنامه تشریحی
۱۴۷	کارگاه متن پژوهی	۴۱	درس پنجم: دماوندیه
۱۴۸	شعرخوانی: ای میهن!	۴۵	کارگاه متن پژوهی
۱۴۹	پرسش‌های تشریحی و تستی	۴۶	روان‌خوانی: جاسوسی که الاغ بود!
۱۵۲	پاسخنامه تشریحی	۴۹	پرسش‌های تشریحی و تستی
	<b>فصل ۷: ادبیات داستانی</b>	۵۳	پاسخنامه تشریحی
۱۵۴	درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ		<b>فصل ۳: ادبیات غنایی</b>
۱۶۰	کارگاه متن پژوهی	۵۵	درس ششم: نی‌نامه
۱۶۲	گنج حکمت: کلان‌تر و اولی‌تر!	۵۸	کارگاه متن پژوهی
۱۶۲	پرسش‌های تشریحی و تستی	۶۰	گنج حکمت: آفتاب جمال حق
۱۶۶	پاسخنامه تشریحی	۶۰	پرسش‌های تشریحی و تستی
۱۶۸	درس شانزدهم: کباب غاز	۶۴	پاسخنامه تشریحی
۱۷۴	کارگاه متن پژوهی	۶۶	درس هفتم: در حقیقت عشق
۱۷۵	روان‌خوانی: ارمیا	۶۷	سودای عشق
۱۷۸	پرسش‌های تشریحی و تستی	۶۹	کارگاه متن پژوهی
۱۸۲	پاسخنامه تشریحی	۷۱	شعرخوانی: حتی به روزگاران
	<b>فصل ۸: ادبیات جهان</b>	۷۲	پرسش‌های تشریحی و تستی
۱۸۴	درس هفدهم: خنده تو	۷۶	پاسخنامه تشریحی
۱۸۶	کارگاه متن پژوهی		<b>فصل ۴: ادبیات سفر و زندگی</b>
۱۸۶	گنج حکمت: مسافر	۷۸	درس هشتم: از پاریز تا پاریس
۱۸۷	پرسش‌های تشریحی و تستی	۸۲	کارگاه متن پژوهی
۱۸۹	پاسخنامه تشریحی	۸۴	گنج حکمت: سه مرکب زندگی
۱۹۰	درس هجدهم: عشق جاودانی	۸۴	پرسش‌های تشریحی و تستی
۱۹۱	کارگاه متن پژوهی	۸۸	پاسخنامه تشریحی
۱۹۲	روان‌خوانی: آخرین درس	۹۰	درس نهم: کویر
۱۹۵	نیایش: لطف تو	۹۴	کارگاه متن پژوهی
۱۹۶	پرسش‌های تشریحی و تستی	۹۶	روان‌خوانی: بوی جوی مولیان
۱۹۹	پاسخنامه تشریحی	۹۹	پرسش‌های تشریحی و تستی

# ستایش

## ملکا ذکر تو گویم



ملکا، ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی / نروم جز به همان ره، که توأم راه نمایی

● **ملک:** پادشاه، خداوند / ذکر گفتن: یاد کردن، تسبیح گفتن

● خداوندا، تو را یاد می‌کنم؛ زیرا تو پاک و منزّه و خداوند جهان هستی. جز به همان راهی که تو به من نشان دهی، قدم نمی‌گذارم!

● **تلمیح** به ذکر «سبحان الله» و «اهدنا الصراط المستقیم»

● **دستور** بیت ۶ جمله است: «ملکا»، «ذکر تو گویم»، «تو پاکتی»، «[تو] خدایی»، «نروم جز به همان ره»، «توأم راهنمایی»، «ذکر تو» در جمله دوم، مفعول است و در جملات سوم و چهارم، «پاک» و «خدا» مسند هستند و «ی» متصل به آن‌ها، فعل اسنادی است. «همان» صفت اشاره است. ضمیر متصل «ام» در «توأم» متمم است: راهی که تو، به من نشان دهی.

● **مفهوم** ستایش خداوند، قدم گذاشتن در راهی که خدا نشان داده

همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم / همه توحید تو گویم، که به توحید سزایی

● **فضل:** بخشش، کرم / **پویدن:** حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن / **توحید:** اقرار به یگانگی /

● **سزا:** سزاوار، شایسته، لایق

● فقط درگاه تو را می‌جویم و به واسطه بخشش و کرم توست که در تلاش و حرکتیم. تنها از یگانگی تو سخن می‌گویم؛ زیرا تو شایسته آنی که به یگانگی‌ات اقرار کنم.

● **جئاس ناهمسان** جویم، پویم، گویم **تلمیح** به ﴿ایاک نعبد و ایاک نستعین﴾ و ﴿قل هو الله احد﴾ **تکرار** همه، تو، توحید

● **دستور** «همه» در معنی «فقط» و در نقش قید تأکید به کار رفته است (در این جا صفت مبهم نیست). «سزا» در جمله پایانی مسند است.

● **اهمیت املائی** فضل، توحید

● **مفهوم** ستایش خداوند، اقرار به یگانگی خداوند

تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی / تو نمایندهٔ فضلی، تو سزاوار ثنایی

● **حکیم:** دانا، دانا به همه چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی؛ بدین معنا که همهٔ کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار

بیهوده انجام نمی‌دهد. / کریم: بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام‌ها و صفات خداوند / رحیم: بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند / نماینده: آن‌که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده / فضل: بخشش، کرم / ثنا: ستایش، ستایش / تو دانا، با عظمت، بخشنده و بخشاینده‌ای. تو نشان‌دهنده فضل و کرم و شایسته ستایشی.

**واج آرای** تکرار مصوّت / ی / تکرار تو

بیت از شش جمله اسنادی تشکیل شده است: «حکیم»، «عظیم»، «کریم»، «رحیم» مسند چهار جمله نخست‌اند. «نماینده» صفت فاعلی است و «نماینده فضل» و «سزاوار ثنا» مسند جملات پنجم و ششم هستند.

**اهمیت املائی** ثنا (با «سنا» به معنی «روشنایی» و تخلص شاعر اشتباه گرفته نشود).

**مفهوم** ستایش خداوند

نتوان وَصَفِ تو گفتن، که تو در فهم ننگنجی / نتوان شَبِه تو گفتن، که تو در وهم نیایی

• شبه: مانند، مثل، همسان / وهم: پندار، تصوّر، خیال

• تو را نمی‌توان توصیف کرد؛ زیرا تو فراتر از فهم انسان هستی. تو را حتی نمی‌توان به کسی مانند کرد؛ زیرا تو در فکر و خیال انسان نیز جای نمی‌گیری.

**جناس ناهمسان** وهم، فهم / تلمیح به آیه ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ (هیچ چیز شبیه او نیست) / تکرار نتوان، تو، گفتن / **واج آرای** تکرار صامت / ن /

**دستور** مرجع هر چهار ضمیر «تو» خداوند است.

**اهمیت املائی** شبه (با «شَبَح» به معنی «سیاهی» اشتباه گرفته نشود).

**مفهوم** ناتوانی انسان از توصیف خداوند، فراتر بودن خدا از فهم و درک بشر.

همه عِزّی و جلالی، همه علمی و یقینی / همه نوری و سُروری، همه جودی و جزایی

• عَزّ: ارجمندی، گرامی‌شدن، مقابل ذَلّ / جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد. / یقین: بی‌شبهه و شک

بودن، امری که واضح و ثابت‌شده باشد. / سُرور: شادی، خوشحالی / جود: بخشش، سخاوت، کرم / جزا: پاداش کار نیک

**واج آرای** تکرار مصوّت / ی / تکرار همه / تلمیح به ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (خداوند نور آسمان‌ها و زمین است).

**دستور** بیت از هشت جمله اسنادی تشکیل شده است که نهاد همه آن‌ها «تو» (محذوف) و فعل آن‌ها «ی» است و مسندها به ترتیب عبارت‌اند از: «عز»، «جلال»، «علم»، «یقین»، «نور»، «سرور»، «جود»، «جزا» / «همه» در این بیت به معنی «فقط» و در نقش قید تأکید به کار رفته است. (صفت مبهم نیست).

**اهمیت املائی** عَزّ، جزا

**مفهوم** ستایش خداوند، بزرگی خداوند

همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی / همه بیشی تو بگاهی، همه کتی تو فزایی

بگاهی: می‌گاهی، کم می‌کنی / فزایی: می‌افزایی، زیاد می‌کنی

• تو از همه چیزهای پنهان آگاهی (عالم الغیب هستی)، و همه عیب‌های بندگان را پنهان می‌کنی (سِتّار العیوبی)؛ آن‌چه را زیاد است تو کم می‌کنی و آن‌چه را که کم است تو می‌افزایی (زیاد و کم شدن‌ها به دست توست).

**جناس ناهمسان** غیب، عیب / تضاد بیش ≠ کم؛ بگاهی ≠ فزایی / تکرار همه، تو / **واج آرای** تکرار مصوّت / ی / تلمیح به آیه‌های ﴿اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ﴾ (خداوند از غیب آگاه است) و ﴿تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذَلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾ (هر کس را بخواهی، عزّت می‌دهی و هر که را بخواهی خوار می‌کنی) و هم‌چنین «سِتّار

العیوب» (پوشاننده عیب‌ها، از صفات خداوند).

**دستور** در این بیت هر چهار «همه» صفت مبهم‌اند (بر خلاف ابیات دیگر).

**مفهوم** به دست خدا بودن عزّت و ذلّت، عیب‌پوش بودن خداوند، آگاه‌بودن خدا از همه چیز

لب و دندان سنایی، همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ، بُودش روی رهایی

دیوان شعر، حکیم سنایی غزنوی

مگر: امید است که، شاید که / روی: چاره، امکان، راه

• تمام وجود سنایی تنها از یگانگی تو سخن می‌گوید، به این امید که از آتش دوزخ امکان رهایی داشته باشد.

**مجاز** لب و دندان مجاز از کل وجود / **ایهام تناسب** «روی»: ۱) راه، امکان (معنی قابل قبول در بیت) ۲) چهره (در تناسب با «لب» و «دندان»)

**تناسب** آتش، دوزخ

**دستور** ضمیر پیوسته «ش» در «بودش» متمم است: برای او روی رهایی بُود (امکان رهایی داشته باشد) / «همه» در این بیت قید تأکید است.

**مفهوم** ستایش کردن خداوند به امید رهایی از عذاب دوزخ

# فصل ۱ ادبیات تعلیم

## شکر درس یکم نعمت



مَنْتَ خدای را، عَزَّ وَ جَلَّ، که طاعتش موجبِ قربت است و به شکر اندرش مزیدِ نعمت.

● مَنّت: سپاس، شکر، نیکویی / عَزَّ وَ جَلَّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود. / طاعت: بندگی، فرمانبرداری / قربت: نزدیکی / مزید: افزونی، زیادی

● سپاس و شکرگزاری، از آن خداوند گرامی و بلندمرتبه است که فرمانبرداری و بندگی او، سبب نزدیکی به او است و شکر او، موجبِ افزونی نعمت است. / سجع: قربت، نعمت / تلمیح: جمله دوم به بخشی از آیه ۷ سوره ابراهیم اشاره دارد: ﴿لئن شکرتم لازیدنکم﴾ (اگر شکر نعمت به جای آرید بر نعمت شما می‌افزایم). / تضاد: فرومی‌رود بزمی آید

● دستور: «را» در جمله اول حرف اضافه و نشانه متمم است (در این جا معنای «تخصیص» دارد؛ یعنی شکرگزاری را مختص و منحصر به خداوند می‌داند). / عَزَّ وَ جَلَّ: دو فعل و در واقع دو جمله کوتاه عربی است با معنای «او عزیز است و جلیل است» (گرامی و بلندمرتبه است) و در این جا به صورت جمله معترضه آمده است. / «به شکر اندر» یک متمم است با دو حرف اضافه: به / شکر / اندر / ضمیر پیوسته «ش» در «طاعتش» / حرف اضافه (۱) / متعم / حرف اضافه (۲)

و «به شکر اندرش» مضاف‌الیه است: در طاعت او، در شکرگزاری او / فعل جمله دوم به قرینه لفظی حذف شده است: به شکر اندرش مزیدِ نعمت (است). / اهمیت املائی: قربت (با «غربت» به معنای دوری اشتباه نگیرید)، مزید (هم‌خانواده با زیاد، مزایده)

● مفهوم: نزدیک‌تر شدن به خدا با فرمانبرداری، افزایش یافتن نعمات با شکرگزاری

### سجع

به یکسانی واژه‌های پایانی جملات نثر، از نظر واج یا واج‌های پایانی، وزن یا هر دوی آن‌ها سجع گفته می‌شود. سجع در نثر، در واقع مانند قافیه است در شعر. نثری را که در آن سجع به کار رفته باشد، نثر مسجع می‌گویند و گلستان سعدی یکی از عالی‌ترین نمونه‌های نثر مسجع است.

نکته ۱: در نثر، کلمات دارای سجع باید حتماً در پایان جملات بیایند:

● مثال: «هر که با بزرگان ستیزد، خون خود ریزد»

نکته ۲: اگر در پایان جملات کلمات تکراری وجود داشته باشد، سجع پیش از آن‌ها می‌آید:

● مثال: «الهی اگر بهشت چون چشم و چراغ است، بی‌دیدار تو درد و داغ است.»

نکته ۳: در جملات مسجع اگر فعل جمله‌ای مشابه فعل جمله قبل باشد، ممکن است حذف شود:

● مثال: «الهی یاد تو میان دل و زبان است و مهر تو در میان سر و جان!»

● توضیح: فعل «است» از انتهای جمله دوم حذف شده است.





## انواع حذف

اگر در جمله‌ای بخشی از جمله برای پرهیز از تکرار حذف شود، به آن، حذف به قرینه لفظی گفته می‌شود. با این وصف، هنگامی می‌توان حذف را از نوع لفظی دانست که بخش حذف‌شده عیناً در جمله قبل یا بعد آمده باشد:

طالب علم عزیز است و طالب مال ذلیل [است].

گاهی نیز حذف بدون قرینه لفظی صورت می‌گیرد؛ مثل مواقعی که بخش محذوف را می‌توان به راحتی از روی سیاقی کلام یا در اثر کثرت کاربرد جمله حدس زد. در این موارد، حذف به قرینه معنوی است. (معنوی یعنی معنایی؛ یعنی باید از روی معنای جمله به آن پی برد.) با این توضیحات، اگر بخشی از جمله حذف شده باشد و بخش محذوف، در جمله قبل یا بعد عیناً نیامده باشد، حذف به قرینه معنوی است: عیدتان مبارک [باشد]، [هوا] سرد است، نه هر چه به قامت مهتر [باشد] به قیمت بهتر [است].



هر نفسی که فرو می‌رود، مُمید حیات است و چون برمی‌آید، مَفْرَح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب.

- ممد: مددکننده، یاری‌رساننده / حیات: زندگی / مَفْرَح: شادی بخش، فرح‌انگیز / ذات: وجود
- هر نفسی که می‌کشیم (دم) مددکننده و یاری‌رساننده زندگی است (باعث زنده‌ماندن می‌شود) و هنگامی که آن را بیرون می‌دهیم (بازدم) شادی بخش وجود است. پس در هر نفس کشیدن، دو نعمت وجود دارد و برای هر نعمت یک شکرگزاری واجب است.

سجع می‌رود، می‌آید؛ حیات، ذات

دستور فعل «است» به قرینه لفظی از انتهای جمله چهارم و ششم حذف شده است: مَفْرَح ذات (است)، شکر واجب (است).

اهمیت املایی حیات (با «حیاط» به معنی محوطه خانه اشتباه نگیرید)، مَفْرَح (هم‌خانواده با فرح، تفریح)، ذات

مفهوم بی‌شماربودن نعمت‌های خدا، ناتوانی انسان از شکرگزاری خداوند

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید؟

هیچ کس نمی‌تواند با اعمال و رفتارش، خداوند را آن‌گونه که شایسته است، شکرگزاری کند.

مجاز دست مجاز از عمل، زبان مجاز از سخن تناسب دست، زبان جناس ناهمسان برآید، درآید

دستور «که» در مصراع اول ضمیر پرسشی به معنای «چه کسی» است و در مصراع دوم («کز» = «که از») حرف ربط و پیوند وابسته‌ساز است. بیت پرسش انکاری دارد: از دست و زبان کسی بر نمی‌آید که... / ضمیر پیوسته «ش» در مصراع دوم مضاف‌الیه است.

مفهوم ناتوانی انسان از شکرگزاری خداوند

﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلًا مِّنْ عِبَادِيَ الشُّكُورِ﴾

ای خاندان داوود، سپاس گزایید و عده کمی از بندگان من سپاس گزارند.

تضمین بخشی از آیه ۱۳ سوره سبأ

بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن / عذر: توبه

بهرتر است که بندگان خدا، به خاطر کوتاهی‌شان در عبادت به درگاه خداوند توبه کنند.

تناسب بنده و درگاه

دستور «همان» ضمیر اشاره است نه صفت اشاره. فعل «است» از انتهای جمله اول به قرینه معنوی حذف شده: بنده همان به [است].

اهمیت املایی تقصیر (هم‌خانواده با قصور، مقصر)، خویش (با «خیش» به معنی گاواهن اشتباه نگیرید)، عذر (هم‌خانواده با معذور، معذرت)

مفهوم توصیه به توبه‌کردن به درگاه خداوند

ورنه سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد

به جای آوردن: اداکردن

وگرنه، کسی نمی‌تواند خدا را آن‌گونه که سزاوار پرستش است، عبادت کند.

دستور ضمیر پیوسته «ش» در مصراع اول مضاف‌الیه است.

مفهوم ناتوانی انسان از شکرگزاری خداوند

باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده.

خوان: سفره، فراخ و گشاده / بی‌دریغ: بی‌مضایقه / کشیدن: گستردن، پهن کردن

رحمت بسیار او مثل بارانی است که به همه موجودات می‌رسد و نعمت‌های بی‌مضایقه او مثل سفره‌ای است که برای همه مخلوقات پهن شده است. (نعمت و رحمت خداوند شامل حال همه می‌شود.)

**سجع** رسیده، کشیده **تشبیه** رحمت به باران (اضافه تشبیهی)، نعمت به خوان (اضافه تشبیهی)

**دستور** فعل کمکی «است» از انتهای هر دو جمله به قرینه معنوی حذف شده است. / «را» در جمله نخست حرف اضافه است: همه را رسیده ← به همه رسیده / ضمیر پیوسته «ش» در هر دو مصراع مضاف‌الیه است.

**اهمیت املائی** خوان (با خان به معنی بزرگ اشتباه نگیرید).

**مفهوم** فراگیربودن رحمت و نعمت خدا

پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.

ناموس: آبرو / فاحش: آشکار، واضح / وظیفه: مقرری، وجه معاش / روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می آورد یا به او می رسد؛ وظیفه روزی: رزق مقرر و معین / منکر: زشت، ناپسند

خداوند، با وجود گناهان آشکار و واضح، آبروی بندگان خود را نمی ریزد و با وجود خطاهای زشت و ناپسند، روزی و رزق مقرر و معین آن‌ها را قطع نمی کند.

**سجع** ندرد، نبرد **تشبیه** ناموس به پرده (اضافه تشبیهی) **کنایه** پرده دریدن کنایه از رسواکردن **واج آرای** تکرار صامت / ن در جمله نخست

**اهمیت املائی** فاحش (هم خانواده با فحش)، وظیفه (هم خانواده با موظف)، روزی، خطا

**مفهوم** ستارالعیوب (پوشاننده گناهان) و رزاق (روزی دهنده) بودن خدا

فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترند و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

\* **فراش:** فرش گستر، گسترده فرش / **دایه:** زنی که به جای مادر به کودک شیر می دهد یا از او پرستاری می کند. / **بنات:** جمع بنت، دختران /

\* **بنات:** گیاه، رُستنی

\* **خداوند به باد صبا دستور داده است تا مثل فراشی چمن و سبزه‌ها را بر زمین پهن کند و به ابر بهاری فرمان داده که مثل دایه‌ای، گیاهان را چون دخترانی در گهواره زمین پرورش دهد.**

**سجع** گفته، فرموده؛ بگسترند، بپرورد **جناس ناهمسان** بنات، بنات **تشبیه** باد صبا به فراش (اضافه تشبیهی)، ابر بهاری به دایه (اضافه تشبیهی)،

بنات به بنات (اضافه تشبیهی)، زمین به مهد (اضافه تشبیهی) **استعاره** فرش زمردین استعاره از سبزه **شخص** دستور شنیدن باد و ابر و فرش گسترند و گیاه پرورش دادن آن‌ها **تلمیح** «مهد زمین» اشاره دارد به آیه ۶ سوره نبا ﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مَهَادًا﴾ (آیا زمین را گهواره‌ای نگردانیم؟)

**دستور** «را» در جمله اول و دوم حرف اضافه است: فراش باد را گفته ← به فراش باد گفته؛ دایه ابر را فرموده ← به دایه ابر فرموده.

**اهمیت املائی** صبا (با سبا که سرزمین بلقیس در داستان حضرت سلیمان علیه السلام است، اشتباه نگیرید: باد صبا، ملکه سبا، زمرد، مهد

**مفهوم** به فرمان خدا بودن همه عالم، فراگیربودن نعمت خدا

درختان را به خلعت نوروزی قبا سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهادند.

**خلعت:** جامه دوخته که بزرگی به کسی بخشد. / **قبا:** جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند. / **شاخ:** شاخه / **ورق:** برگ / **دربر گرفتن:** پوشاندن / **قدوم:** آمدن، قدم نهادن، فرارسیدن / **موسم:** فصل، هنگام، زمان / **ربیع:** بهار

\* به درختان به عنوان لباس هدیه نوروز، جامه‌ای از جنس برگ‌های سبز پوشانده و به مناسبت فرارسیدن فصل بهار، بر سر شاخه‌های کوچک کلاهی از جنس شکوفه قرار داده است.

**سجع** گرفته، نهاده **تشبیه** ورق به قبا (اضافه تشبیهی)، شاخه به اطفال (اضافه تشبیهی)، شکوفه به کلاه (اضافه تشبیهی) **شخص** لباس پوشیدن

درختان و کلاه بر سر نهادن شاخه‌ها و قدوم ربیع **جناس همسان** بر به معنی بدن (در بر گرفته) و بر به معنی روی (بر سر نهاده) **جناس ناهمسان** در، بر، سر

**دستور** فعل کمکی «است» از انتهای هر دو جمله به قرینه معنوی حذف شده است. / «را» در هر دو جمله «فک» اضافه است: درختان را ... در بر ← در بر

درختان، اطفال شاخ را بر سر ← بر سر اطفال شاخ

**اهمیت املائی** خلعت، قبا، ورق، قدوم، موسم، ربیع

**مفهوم** قدرت خدا در آفرینش زیبایی‌های جهان

عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

\* **عصاره:** آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند؛ افشره، شیر / **تاک:** درخت انگور، رز / **شهد:** عسل / **فایق:** برگزیده، برتر /

\* **باسق:** بلند

**سجع** شده، گشته **تناسب** خرما، نخل و تاک

**دستور** فعل کمکی «است» از انتهای هر دو جمله به قرینه معنوی حذف شده است. / ضمیر پیوسته «ش» در «تربیتش» مضاف‌الیه است و مرجع هر دو ضمیر، خداوند است.

**اهمیت املائی** عصاره، فایق (هم خانواده با فوق)، باسق

**مفهوم** قدرت خداوند در آفرینش

۱- بنات نبات را می توان اضافه استعاری نیز دانست؛ یعنی نبات (=گیاه) را همچون مادری در نظر گرفت که دخترانی دارد (= جوانها). چه بسا که به دلیل جمع بودن «بنات» و مفرد بودن «بنات» صحیح تر نیز بنماید.



ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

در کار بودن: فعالیت کردن، مشغول به کاری بودن / به کف آوردن: به دست آوردن

تمام موجودات عالم در فعالیت‌اند تا تو رزق و روزی به دست آوری و آن را از روی غفلت نخوری (از یاد خدا غافل نشوی).

**مجاز** نان مجاز از غذا، کف مجاز از دست **تناسب** ابر، باد، مه، خورشید، فلک **تلمیح** اشاره دارد به آیه ۳۳ سوره ابراهیم: ﴿و سَخَّر لَكُم الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ﴾ (و خورشید و ماه را که پیوسته روان‌اند، برای شما رام گردانید).

**اهمیت املائی** غفلت (هم‌خانواده با غافل)

**مفهوم** غافل نبودن از یاد خدا

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

سرگشته: متحیر، سرگردان / فرمانبردار: مطیع

همه موجودات برای منفعت تو در تکاپو و مطیع و فرمانبردار خداوندند؛ انصاف نیست که تو مطیع و فرمانبردار خداوند نباشی.

**دستور** «همه» ضمیر مبهم است (نه صفت مبهم) و مرجع آن «ابر و باد و مه و خورشید و فلک» در بیت قبلی است. فعل «هستند» از انتهای مصراع اول به قرینه معنوی حذف شده است.

**مفهوم** لزوم فرمانبرداری و مطیع خدا بودن

در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان، محمّد مصطفی، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ،

خبر: سخنی که از پیامبر یا امام نقل شده باشد، حدیث / **کاینات**: جمع کاینه، همه موجودات جهان / **مفخر**: هر چه بدان فخر کنند و بنازند؛ مایه ناز و بزرگی / **صفوت**: برگزیده، برگزیده از افراد بشر / **تتمه**: باقی‌مانده؛ تتمه دور زمان: مایه تمامی و کمال گردش روزگار، مایه تمامی و کمال دور زمان رسالت / **مصطفی**: برگزیده

در حدیث آمده است از سرور موجودات جهان و مایه افتخار مخلوقات و بخشایش و مهربانی خداوند بر جهانیان و برگزیده انسان‌ها و مایه تمامی و کمال گردش روزگار، حضرت محمد - که درود خداوند بر او و خاندانش باد -

**تلمیح** اشاره به آیه ۱۰۷ سوره انبیاء: ﴿و ما أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾

**اهمیت املائی** صفوت، تتمه

شَفِيعَ مَطَاعٍ نَبِيِّ كَرِيمٍ قَسِيمٍ جَسِيمٍ نَسِيمٍ وَسِيمٍ

**شَفِيع**: شفاعت‌کننده / **مَطَاع**: فرمانروا، اطاعت‌شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد / **نَبِي**: پیغمبر، پیام‌آور، رسول / **كَرِيم**: بخشنده / **قَسِيم**: صاحب جمال / **جَسِيم**: خوش‌اندام / **نَسِيم**: خوش‌بو / **وَسِيم**: دارای نشان پیامبری / او، شفاعت‌کننده، فرمانروا، پیام‌آور، بخشنده، صاحب جمال، خوش‌اندام، خوش‌بو و دارای نشان پیامبری است.

**چنانس ناهمساز** قسیم، جسیم، نسیم، وسیم **واج آرای** تکرار / س / و / م

**اهمیت املائی** مطاع (هم‌خانواده با مطیع؛ با متاع به معنی کالا اشتباه نگیرید).

**مفهوم** ستایش پیامبر ﷺ

بَلَّغَ الْعَالِيَةَ بِكَمَالِهِ، كَشَفَ الدُّجَى بِجَمَالِهِ حَسَنَتْ جَمِيعَ خِصَالِهِ، صَلُّوا عَلَيْهِ وَ آلِهِ

با کمال خویش، به بزرگی رسیدی، و با جمال نورانی‌اش، تاریکی‌ها را برطرف کرد؛ همه خصلت‌های او نیکو و حسنه است؛ بر او و خاندانش درود بفرستید.

**چنانس ناقص** کمال، جمال

**مفهوم** ستایش پیامبر ﷺ

چه غم دیوار اتمت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

پشتیبان: حامی، چوبی که برای استحکام بیشتر دیوار بر آن نصب می‌کنند. / **باک**: ترس، نگرانی / **بحر**: دریا / **کشتیبان**: ناخدای کشتی

امت اسلام تا زمانی که پشتیبانی چون تو دارد، ترس و غمی ندارد. همان‌طور که آن که نوح علیه السلام ناخدای کشتی‌اش باشد، از موج دریا و طوفان ترسی ندارد. **اسلوب معادله**: مصراع دوم مثالی برای مصراع اول است و دو مصراع از لحاظ دستور از هم مستقل‌اند. (برای شرح کامل این آرایه درس ششم رو ببین!) **تشبیه** اتمت به دیوار، تو (پیامبر) به پشتیبان **چنانس ناهمساز** پشتیبان، کشتیبان **تلمیح** اشاره به داستان طوفان نوح علیه السلام **تناسب** دیوار، پشتیبان؛ بحر، موج

**دستور** بیت پرسش انکاری دارد. / «چه» در هر دو مصراع صفت پرسشی است (نه ضمیر پرسشی) / «آن» ضمیر اشاره است (نه صفت اشاره).

**اهمیت املائی** اتمت، بحر

**مفهوم** پیامبر اسلام ﷺ موجب دلگرمی امت اسلامی است

هرگه که یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار، دستِ انابت به امید اجابت به درگاه حق، جَلَّ وَّعَلَا بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند بازش بخواند؛ باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند.

پریشان‌روزگار: تیره‌روز، بدحال / **انابت**: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی / **اجابت**: پذیرفتن، قبول کردن، برآوردن / **نظر نکردن**: بی‌توجهی / **اعراض**: روی گرداندن از چیزی، روی گردانی، انصراف / **تضرع**: زاری کردن، التماس کردن  
 هر زمان که یکی از بندگان گناهکار و تیره‌روز، برای توبه به امید پذیرفته شدن به درگاه خداوند بزرگ و بلندقدر متوسل می‌شود، خداوند متعال به او بی‌توجهی می‌کند؛ بنده دوباره خداوند را می‌خواند، باز بی‌توجهی می‌کند. بار دیگر او را با زاری و التماس می‌خواند.

**چنانس نامسان** انابت، اجابت؛ باز، بار؛ بار، زار **واج آرای** صامت / گ / در جملهٔ اول  
**دستور** ضمیر پیوسته «ش» مفعول و مرجع آن خداوند است: بازش بخواند ← باز او را بخواند؛ بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند ← بار دیگر او را به تضرع و زاری بخواند.

**اهمیت املائی** انابت، اعراض، تضرع

**مفهوم** دعاکردن همراه با زاری و سوز موجب اجابت دعاست.

حق، سُبْحَانَهُ و تَعَالَى فرماید: یا مَلَأْتُكَتِی قَدْ اسْتَحْيَيْتُ مِنْ عِبْدِي و لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ.

خداوند پاک و بلندمرتبه می‌فرماید: ای فرشتگانم، من از بندهٔ خود شرم کردم و او جز من پناهی ندارد؛ پس آمرزیدمش.

**تضمین** نقل حدیث نبوی

**مفهوم** کرم و بخشندگی بسیار خداوند

دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.

دعایش را قبول کردم و آرزویش را برآوردم؛ زیرا از دعا و گریهٔ بسیار بندهام شرم دارم.

**سجع** کردم، برآوردم

**دستور** ضمیر پیوسته «ش» مضاف‌الیه و مرجع آن بنده است.

**مفهوم** کرم و بخشندگی بسیار خداوند

گَرَمَ بَیْنِ و لَطْفِ خَدَاوَنْدِگَارِ گنه بنده کرده است و او شرمسار

کرم: بخشش / شرمسار: خجالت‌زده

کرم و لطف خداوند را بین که بنده گناه می‌کند، در حالی که خداوند خجالت‌زده است.

**دستور** مرجع ضمیر «او» خداوند است. / «و» در مصراع اول حرف عطف است (کرم و لطف خدا را بین) و در مصراع دوم حرف ربط و همپایه‌ساز است. (چون میان دو جمله آمده) / فعل «است» از انتهای مصراع دوم به قرینهٔ معنوی حذف شده: او شرمسار [است].

**مفهوم** کرم و بخشندگی بسیار خداوند

عَاكَفَانِ كَعْبَةَ جَلَالِشْ بِه تَقْصِیْرِ عِبَادَتِ مَعْتَرَفِ كِه: مَا عِبْدَانَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ، و وَاَصْفَانِ حَلِیَةِ جَمَالِشْ بِه تَحْتِیْرِ مَنَسُوبِ كِه: مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ.

● **عاکفان**: جمع عاکف، کسانی که مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند. / **جلال**: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد. / **تقصیر**: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن / **معترف**: اقرار کننده، اعتراف کننده / **واصفان**: جمع واصف، وصف کنندگان، ستاینندگان /

● **حلیه**: زیور، زینت / **تحتیر**: سرگستگی، سرگردانی / **منسوب**: نسبت داده شده

● گوشه‌نشینان و عبادت‌کنندگان کعبهٔ بزرگی خداوند، به کوتاهی خود در عبادت خداوند (این‌گونه) اعتراف می‌کنند که خدایا تو را چنان که شایستهٔ عبادت تو است، پرستش نکردیم و وصف‌کنندگان زیور و زینتِ زیباییِ خداوند (این‌گونه) سرگشته و حیرانند که خدایا تو را چنان که سزاوار شناسایی توست، نشناختیم.

**تشبیه** جلال به کعبه (اضافهٔ تشبیهی)، جمال به حلیه (اضافهٔ تشبیهی)

**دستور** فعل «هستند» (اند) از انتهای هر دو جملهٔ فارسی به قرینهٔ معنوی حذف شده‌اند: معترف [اند] که، منسوب [اند] که. / ضمیر متصل «ش» در هر دو جمله مضاف‌الیه و مرجع آن خداوند است.

**اهمیت املائی** عاکف (هم‌خانواده با معتکف)، تقصیر (هم‌خانواده با مقصر)، معترف (هم‌خانواده با اعتراف)، واصف (هم‌خانواده با وصف، توصیف)، حلیه، تحتیر (هم‌خانواده با حیرت)

**مفهوم** ناتوانی انسان از عبادت و شناخت شایستهٔ خداوند

گر کسی وصف او ز من پرسد بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

بی‌دل: عاشق، دلدا، دلباخته



● اگر کسی وصف خداوند را از من بپرسد، من عاشق و بی‌دل چگونه از خدای بی‌نشان سخن بگویم؟

**کنایه** بی‌دل کنایه از عاشق، بی‌نشان کنایه از خداوند

**دستور** مرجع ضمیر «او» خداوند است.

**مفهوم** ناتوانی از توصیف خدا، رازداری و خاموشی عارف واقعی

عاشقان گشتگان معشوق‌اند برنیاید ز گشتگان آواز

● عاشقان حقیقی، گشته و فدایی معشوق (خدا) هستند و مردگان (عاشقان حقیقی) نمی‌توانند سخنی بگویند.

**نکته** هم‌مفهوم است با حدیث نبوی «من عرف الله کلّ لسانه» (کسی که خدا را شناخت، زبانش الکن می‌شود). **حسن تعلیل** دلیل خاموشی عاشقان

(عارفان) گشته‌بودن آن‌ها در راه معشوق و ساکت‌بودن گشتگان است.

**مفهوم** ناتوانی از توصیف خدا، رازداری و خاموشی عارف واقعی

یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده؛ آن‌گه که از این معامله بازآمد، یکی از یاران به طریقی انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

صاحب‌دل: خداشناس، عارف / جیب: گریبان، یقه / مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر این‌که خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق / مکاشفت: کشف‌کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی پی‌بردن به حقایق است. / مستغرق: غرق‌شده / معامله: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی، در متن درس، مقصود همان کار مراقبت و مکاشفت است. / انبساط: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی‌شدن / تحفه: هدیه، ارمان / کرامت‌کردن: عطاکردن، بخشیدن

● یکی از عارفان در حالت تأمل و تفکر عارفانه فرورفته بود و در دریای کشف و شهود عرفانی غرق شده بود؛ وقتی از این حالت عرفانی بیرون آمد، یکی از دوستان از روی احساس صمیمیت گفت: از این حالت عرفانی که در آن حضور داشتی برای ما چه هدیه‌ای آوردی؟

**تشبیه** جمال به حلیه (اضافه تشبیهی)، مکاشفت به بحر (اضافه تشبیهی) **استعاره** بوستان استعاره از عالم غیب و مکاشفه، تحفه استعاره از نکته معنوی یا دعا

**دستور** فعل کمکی «بود» از انتهای جمله دوم به قرینه لفظی حذف شده است: مستغرق شده (بود).

**اهمیت املائی** مراقبت، مکاشفت، مستغرق، معامله، انبساط، تحفه

گفت: «به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت!»

اصحاب: یاران

● گفت: «به یاد داشتم هنگامی که به درخت گل (معارف الهی) می‌رسم، دامنی گل (مجموعه‌ای از مشاهدات و معارف الهی) برای هدیه به یارانم جمع کنم. هنگامی که رسیدم (به حال عرفانی دست یافتم)، بوی گل‌ها (جلوه حق) آن چنان مستم کرد که از خود بیخود شدم.»

**کنایه** دامن از دست رفتن کنایه از محو چیزی شدن یا خود را فراموش کردن **استعاره** درخت گل استعاره از معارف الهی، بوی گل استعاره از جلوه حق **چنان‌که** چنان‌که مست، دست

**دستور** «را» حرف اضافه و «هدیه اصحاب» متمم است: هدیه اصحاب را ← برای هدیه اصحاب / ضمیر «م» در «دامنم» مضاف‌الیه «دست» است و جهش ضمیر دارد: دامن از دست رفت.

**اهمیت املائی** اصحاب (هم‌خانواده با صحبت، مصاحبت، صحابه)

**مفهوم** زیبایی حیرت‌آور معارف الهی

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

● ای بلبل عاشق (عاشق مدعی)، عشق حقیقی را از پروانه بیاموز که جان خود را فدای معشوق (شمع) کرد و صدایی از او شنیده نشد (اعتراض نکرد).

**تشخیص** خطاب قراردادن مرغ سحر **نماد** مرغ سحر نماد عاشق مدعی و ظاهری و پروانه نماد عاشق حقیقی

**مفهوم** بی‌ادعا بودن عاشق حقیقی؛ رازپوشی عارفانه

این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

گلستان، سعدی

● کسانی که ادعای شناخت خدا را دارند، در حقیقت از او غافل‌اند؛ زیرا عاشقان حقیقی و با خبر از او، سخنی از اسرار الهی بر زبان نمی‌آورند (این راز را فاش نمی‌کنند).

**نکته** هم‌مفهوم است با حدیث نبوی «من عرف الله کلّ لسانه» (کسی که خدا را شناخت، زبانش الکن می‌شود).

**دستور** ضمیر متصل «ش» در مصراع اول مضاف‌الیه «طلب» است.

**اهمیت املائی** مدعی (هم‌خانواده با ادعا)

**مفهوم** بی‌ادعا بودن عاشق حقیقی؛ رازپوشی عارفانه

۱ جدول زیر را به کمک متن درس کامل کنید.

واژه معادل	معنا
وسیم	دارای نشان پیامبری
مفّرح	شادی بخش
انابت	به خدای تعالی بازگشتن
وظیفه بریدن	قطع کردن مقرری

۲ سه واژه در متن درس بیابید که هم‌آوای آن‌ها در زبان فارسی وجود دارد.

قربت، حیات، خوان ← غربت، حیاط، خان

۳ از متن درس برای کاربرد هر یک از حروف زیر، سه واژه مهمّ املائی بیابید و بنویسید.

ح: حلیه - تحیر - تحفه      ق: قربت - فایق - باسق      ع: عاکف - تضرّع - اعراض

۴ در کدام قسمت از متن درس، «جهش» ضمیر دیده می‌شود؟ دلیل خود را بنویسید.

«دامنم از دست برفت.» ضمیر پیوسته «م» جهش ضمیر دارد و جای اصلی آن پس از «دست» بوده است: دامنم از دستم برفت.

۵ به عبارت‌های زیر توجه کنید:

الف) همنشین نیک بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از همنشین بد.

ب) آرزو گفت: «از نمایشگاه کتاب چه خبر؟»

در عبارت «الف»، فعل جمله دوم، ذکر نشده است اما خواننده یا شنونده از فعل جمله اول می‌تواند به فعل جمله دوم، یعنی «است» پی ببرد. در این جمله، حذف فعل به «قرینه لفظی» صورت گرفته است.

در عبارت «ب»، جای فعل «داری» در جمله دوم خالی است، اما هیچ نشانه‌ای در ظاهر جمله، شنونده را به وجود «فعل» راهنمایی نمی‌کند، تنها از مفهوم عبارت می‌توان دریافت که فعل «داری» از جمله دوم حذف شده است؛ در این جمله، حذف به «قرینه معنوی» صورت گرفته است.

هر یک از اجزای کلام در صورت وجود قرینه می‌تواند حذف شود. اگر حذف به دلیل تکرار و برای پرهیز از تکرار صورت گیرد، آن را «حذف به قرینه لفظی» گویند اما اگر خواننده یا شنونده از مفهوم سخن به بخش حذف‌شده پی ببرد، «حذف به قرینه معنوی» است.

در متن درس، نمونه‌ای برای کاربرد هر یک از انواع حذف بیابید.

حذف به قرینه لفظی: «مَتَّ خدای را، عَزَّ وَ جَلَّ، که طاعتش موجبِ قربت است و به شکر اندرش مزیدِ نعمت [است]». هر نفسی که فرومی‌رود، مُؤدِّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرِّحِ ذات [است].»

«پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب [است].»

«یکی از صاحب‌دلان سر به جیبِ مراقبت فروبرده بود و در بحرِ مکاشفت مستغرق شده [بود].»

حذف به قرینه معنوی: «بارانِ رحمتِ بی‌حسابش همه را رسیده [است] و خوانِ نعمتِ بی‌درغش همه‌جا کشیده [است].»

«درختان را به خلعتِ نوروزی قبای سبزِ ورق در بر گرفته [است] و اطفالِ شاخ را به قدومِ موسمِ ربیع کلاهِ شکوفه بر سر نهاده [است].»

«عصارهٔ تاکی به قدرتِ او شهیدِ فایق شده [است] و تخمِ خرمایی به تربیتش نخلِ باسق گشته [است].»

۱ واژه‌های مشخص‌شده، نماد چه مفاهیمی هستند؟

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز      کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

مرغ سحر نماد عاشق مدعی و دروغین (کسی که صرفاً ادعای عشق دارد) و پروانه نماد عاشق واقعی.

۲ با توجه به عبارت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

● بارانِ رحمتِ بی‌حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمتِ بی‌درغش همه جا کشیده.

● فَرّاش باد صبا را گفته تا فرشِ زمردین بگسترند و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

الف) آرایه‌های مشترک دو عبارت را بنویسید.

تشبیه (رحمت به باران، نعمت به خوان، باد صبا به فَرّاش، ابر بهاری به دایه، نبات به بنات، زمین به مهد)، سجع (رسیده، کشیده؛ بگسترند، بپرورد)

ب) قسمت مشخص‌شده بیانگر کدام آرایهٔ ادبی است؟

استعاره (فرش زمردین استعاره از سبزه‌ها و گیاهان)

### قلمرو فکری

- معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.  
عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ.  
گوشه‌نشینان و عبادت‌کنندگان کعبه بزرگی خداوند، به کوتاهی خود در عبادت خداوند (این گونه) اعتراف می‌کنند که خدایا تو را چنان که شایسته عبادت تو است، پرستش نکردیم.  
یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.  
یکی از عارفان در حالت تأمل و تفکر عارفانه فرورفته بود و در دریای کشف و شهود عرفانی غرق شده بود.
- مفهوم کلی مصراع‌های مشخص شده را بنویسید.

- ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند  
غافل نبودن از یاد خدا
- چه غم دیوار آفت را که دارد چون تو پشتیبان  
آمت اسلام با وجود پیامبر ﷺ نگرانی و غمی ندارد.
- گر کسی وصف او ز من پرسد  
ناتوانی از وصف خداوند

۲) از کدام سطر درس، مفهوم بیت زیر قابل استنباط است؟

- هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی بر کند      وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای  
و اصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که ﴿ما عرفناك حق معرفتك﴾ یا:  
این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند      وان را که خبر شد خبری باز نیامد  
(در بیت سؤال کلمه «بنان» به معنی «انگشت، سرانگشت» است. معنی بیت: هیچ نقاشی تو را نمی‌بیند تا بتواند نقشی از تو تصویر کند. هر که هم تو را ببیند از شگفتی و حیرت قلم از دستش می‌افتد.)

سری

### کنج حکمت گمان

گویند که بطی در آب روشنایی ستاره می‌دید؛ پنداشت که ماهی است؛ قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت. دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که هم‌روز گرسنه بماند.

«کلیله و دمنه»، ترجمه نهرالله منشی

- بط: مرغابی / فرو گذاشتن: رها کردن / ثمرت: ثمره، نتیجه / تجربت: تجربه  
می‌گویند مرغابی‌ای در آب روشنایی می‌دید و فکر می‌کرد که ماهی است. قصد می‌کرد آن را بگیرد و موفق نمی‌شد. از آن‌جا که بارها تلاش کرد و موفق نشد، آن را رها کرد. روز بعد، هر وقت ماهی می‌دید، خیال می‌کرد همان روشنایی است. تلاشی برای گرفتن آن نمی‌کرد و نتیجه این تجربه آن بود که تمام روز گرسنه ماند.
- اهمیت املائی: بط، ثمرت

### تمرین‌های تشریحی

#### قلمرو زبانی

- در بیت زیر مقصود از «تقصیر» چیست؟<sup>۱</sup>  
«بنده همان به که ز تقصیر خویش      عذر به درگاه خدای آورد»
  - نقش ضمائر بیوسته را در هر یک از جملات زیر مشخص کنید.  
الف) پادشاه را کرم باید تا بر او گرد آیند و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشینند.  
ب) ملک روی از این سخن در هم کشید و به زندانش فرستاد.  
پ) لقمان حکیم اندر آن کاروان بود یکی گفتش از کاروانیان مگر اینان را نصیحتی کنی.
  - در هر یک از موارد زیر بخش حذف‌شده را ذکر کنید و بگویید حذف از چه نوعی است؟  
الف) فی‌الجملة زبان از مکالمه او درکشیدن قوت نداشتم و روی از محاوره او گردانیدن مرّوت ندانستم که یار موافق بود و ارادت صادق.  
ب) شب را به بوستان با یکی از دوستان اتفاق مبیّت (= شب‌نشینی، بیتوته) افتاد موضعی خوش و خرم و درختان درهم؛ گفتمی که خرده مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا از تاکش آویخته.  
پ) طایفه دزدان عرب بر سر کوهی نشسته بودند و منفذ کاروان بسته.
- ۱- سؤالات تشریحی و تستی ستایش و درس یکم با هم آمده است.



### قلمرو ادبی

۴- هر یک از بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

(الف) چو در میدان عشق افتادی ای دل      بیاید بودند سرگشته چون گوی  
(ب) ای باد صبحدم خبر دلستان بگوی      وصف جمال آن بت نامهربان بگوی

۵- در عبارت زیر از مناجات‌نامهٔ خواجه عبدالله انصاری، سجع‌ها را مشخص کنید.

الهی! عمر خود بر باد کردم و بر تن خود بیداد کردم. الهی! اگر کار به گفتار است بر سر همه تاجم و اگر به کردار است به پشه و مور محتاجم. الهی! بیزارم از طاعتی که مرا به عجب آورد. مبارک معصیتی که مرا به عذر آورد. الهی! اگر بر دار کنی رواست، مهجور مکن و اگر به دوزخ فرستی رضاست، از خود دور مکن.

### قلمرو فکری

۶- در مورد ارتباط معنایی بیت «گفتم این شرط آدمیت نیست / مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش» با بیت «همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری» توضیح دهید.

## تست‌ها

### لغت

۱- معنای واژه‌های «صفوت، نسیم، وسیم، دُجی، حلیه» کدام است؟

- (۱) روشنی، معطر، دارای نشان، مرغ، زینت  
(۲) برگزیده، خوش‌بو، دارای نشان، تاریکی، زیور  
(۳) روشن، خوش‌بو، شناخته‌شده، تاریک، زیور  
(۴) خلوص، باد ملایم، داغ‌دار، مرغ، زینت

۲- معنی همهٔ واژه‌های «اعراض، انابت، تنقه، فایق، مفخر» در کدام گزینه، درست است؟

- (۱) ظواهر، بازگشت، پایان، بهتر، مایهٔ سرافرازی  
(۲) روی برگرداندن، توبه، باقی‌مانده، برتر، مایهٔ سرافرازی  
(۳) روی برگرداندن، توبه، باقی‌مانده، برتر، مایهٔ سرافرازی  
(۴) سربلندی، بازبینی اعمال، پایان‌بخش، بهتر، افتخارآفرین

### املا

۳- در کدام‌یک از گزینه‌های زیر، غلط املایی به چشم نمی‌خورد؟

- (۱) چنان به طوع و رغبت و بی دریغ، به وظایف خویش گردن می‌نهاد که در اندک مدتی، به مزید قربت و رتبت از دیگر اصحاب متمایز گشت.  
(۲) احوالش را به مخالفت منصوب‌کردند و امت اسلام تکفیرش کرد، با آن همه خصال نیکو که او را بود.  
(۳) زبان در وصف ذات جلیل‌خدای تعالی، قاسر است و از شکر گفتنش عاجز که حیات ما همه از اوست.  
(۴) توبه جز به تضرع و زاری اجابت نیابد که سوز دل خود شفاعتِ بندگان کند به نزد حضرت حق.

### آرایه‌های ادبی

۴- در کدام‌یک از ابیات زیر آرایهٔ «کنایه» به چشم نمی‌خورد؟

- (۱) و گر چند از تو سختی بینم و محنت      ندارم دست باز از تو بدین سستی  
(۲) پیشانی گشاده به از گنج گوهرست      دل‌تنگ چون صدف ز وداع گهر مباحث  
(۳) گریهٔ مستانهٔ من از خمار چشم توست      آه من از سرمهٔ دنباله‌دار چشم توست  
(۴) از انتظار دیدهٔ یعقوب شد سفید      هیچ آفریده چشم به راه کسی مباد

۵- با توجه به عبارت «فی‌الجملة زبان از مکالمهٔ او درکشیدن قوت نداشتیم و روی از محادثهٔ او گردانیدن، مرورت ندانستم که یار موافق بود و ارادت صادق.»

(انسانی ۸۲)

در کدام گزینه، همهٔ کلمه‌های سجع، درست مشخص شده است؟

- (۱) نداشتیم و ندانستم - موافق و صادق  
(۲) مکالمه و محادثه - قوت و مرورت  
(۳) درکشیدن و گردانیدن - موافق و صادق  
(۴) مکالمه و محادثه - کشیدن و گردانیدن

(ریاضی ۸۱)

۶- در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ..... آرایهٔ سجع مشهود است.

- (۱) صیاد بی‌روزی، ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی‌اجل در خشک نمیرد.  
(۲) نصیحت پادشاه کردن، کسی را مسلم بود که بیم سر ندارد یا امید زر.  
(۳) با چندین فضیلت که دست راست را هست، خاتم در انگشت چپ می‌کنند.  
(۴) ارادت بی‌چون، یکی را از تخت‌شاهی فرآورد و دیگری را در شکم ماهی نکو دارد.

۷- در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینه ..... آرایهٔ تشبیه موجود است.

- |  |                                |
|--|--------------------------------|
| ۱) مرا چون هاتف دل دیدد دمساز          | بـرآورد از رواق همّت آواز      |
| ۲) سخن، جان است و جان‌داری جان است     | مگر چون جان عزیز از بهر آن است |
| ۳) جمالش باد دائم عالم‌افروز           | شبش، مـوآج باد و روز، نوروز    |
| ۴) تو مردم بین که چون بی‌رای و هوش‌اند | که جانی را به نانی می‌فروشدند  |

(انسانی ۸۱)

۸- کدام مجموعه از ترکیب‌ها «اضافهٔ تشبیهی» است؟

- |  |   |
|--|---|
| ۱) مزید نعمت - شرط انصاف - مرغ سحر - کلاه شکوفه          | ۲) جیب مراقبت - امید اجابت - دیوار امت - قصهٔ عشق |
| ۳) پردهٔ ناموس - کلاه شکوفه - سرور کاینات - درگاه خداوند | ۴) دریای معرفت - شب جهل - شکوفهٔ اشک - آتش عشق    |

(فارج از کشور ۸۹)

۹- در کدام گزینه استعاره به کار رفته است؟

- |   |                                      |
|---|--------------------------------------|
| ۱) پیش صاحب‌نظران ملک سلیمان باد است    | بلکه آن است سلیمان که ز ملک آزاد است |
| ۲) از این اندیشه کان سرو سهی داشت       | دل فرزانه شاپور آگهی داشت            |
| ۳) که هست این‌جا مهندس مردی استاد       | جوانی نام او فرزانه فرهاد            |
| ۴) خاکی است که رنگین شده از خونِ ضعیفان | این ملک که بغداد و ری‌اش نام نهادند  |

(زبان ۸۲)

### قرابت معنایی

۱۰- مفهوم کدام بیت با توجه به آیهٔ شریفه «تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذُلُّ مَنْ تَشَاءُ» متفاوت است؟

- |                                |                              |
|--------------------------------|------------------------------|
| ۱) یکی را همی تاج شاهی دهد     | یکی را به دریا به ماهی دهد   |
| ۲) یکی را که در بند بینی مخند  | مبادا که روزی درافتی به بند  |
| ۳) یکی را دهد تاج و تخت بلند   | یکی را کند خوار و زار و نژند |
| ۴) یکی را ز ماهی رسانده به ماه | یکی را ز مه اندر آرد به چاه  |

(ریاضی ۹۰)

۱۱- به مضمون آیهٔ «تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذُلُّ مَنْ تَشَاءُ» در کدام بیت اشاره نشده است؟

- |                               |   |
|-------------------------------|---|
| ۱) کلاه سعادت یکی بر سرش      | گلیم شقاوت یکی در برش                         |
| ۲) ادیم زمین سفرهٔ عام اوست   | بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست (ادیم= سفره) |
| ۳) یکی را به سر برنهد تاج بخت | یکی را به خاک اندر آرد ز تخت                  |
| ۴) گلستان کند آتشی بر خلیل    | گروهی بر آتش برد ز آب نیل                     |

(انسانی ۸۸)

۱۲- عبارت «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- |   |   |
|---|---|
| ۱) در ضیافت‌خانهٔ خوان‌نوالش (نوال=لقمه) منع نیست | در گشاده است و صلا در داده خوان انداخته |
| ۲) پس تو را منت ز مهمان داشت باید بهر آنک         | می‌خورد بر خوان انعام تو خوان خویشتن    |
| ۳) دریغا که بر خوان الوان عمر                     | دمی چند خوردیم و گفتند بس               |
| ۴) همانا که بی نعمت او به گیتی                    | در این سال‌ها کس نیاراست خوانی          |

(هنر ۹۳)

۱۳- عبارت «وظیفهٔ روزی به خطای منکر نبرد» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

- |                             |                              |
|-----------------------------|------------------------------|
| ۱) مه‌یا کند روزی مار و مور | اگر چند بی دست و پایند و زور |
| ۲) ولیکن خداوند بالا و پست  | به عصیان در رزق بر کس نیست   |
| ۳) پرستار امرش همه‌چیز و کس | بنی آدم و مرغ و مور و مگس    |
| ۴) چنان پهن خوان کرم گسترد  | که سیمرغ در قاف روزی خورد    |

(زبان ۸۷)

۱۴- مفهوم عبارت «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده» به مفهوم کدام بیت نزدیک است؟

- |                             |                                    |
|-----------------------------|------------------------------------|
| ۱) از سفله مخواه هیچ زنه‌ار | کاطلس نشود پلاس هرگز               |
| ۲) روزی ز خزانهٔ کسی خواه   | کاو را نبود مکاس (= چانه‌زدن) هرگز |
| ۳) گر ترک طمع کنی نباشد     | ای دل ز گسست هراس هرگز             |
| ۴) نی محنت عشق دیده هرگز    | نی جور بتان کشیده هرگز             |

(فارج از کشور ۸۸)

۱۵- کدام بیت با بیت «شکر نعمت نعمت افزون کند» تناسب معنایی دارد؟

- |                                 |                              |
|---------------------------------|------------------------------|
| ۱) شکر نعمت می‌کنم گر خلعتی     | می‌فرستد یا قفایی می‌زند     |
| ۲) شکر باشد کلید گنج مزید       | گنج خواهی مده ز دست کلید     |
| ۳) شکر کن مر شاکران را بنده باش | پیش ایشان مرده شو پاینده باش |
| ۴) سجدهٔ شکر تو مرا داد دست     | شکر خدا را که شدم حق‌پرست    |

۱۶- کدام بیت با بیت «از دست و زبان که برآید / کز عهده شکرش به در آید» تناسب معنایی کم‌تری دارد؟

- |                                  |                               |
|----------------------------------|-------------------------------|
| ۱) نفس می‌نیارم زد از شکر دوست   | که شکری ندانم که در خورد اوست |
| ۲) عطایی است هر موی از او بر تنم | چگونه به هر موی شکری کنم؟     |
| ۳) ستایش خداوند بخشنده را        | که موجود کرد از عدم بنده را   |
| ۴) که را قوت وصف احسان اوست؟     | که اوصاف مستغرق شان اوست      |

(تهری ۸۶)

۱۷- بیت «ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

- |                                    |                               |
|------------------------------------|-------------------------------|
| ۱) روزی که کند دوست قبولم به غلامی | آن روز کنم خواجگی روی زمین را |
| ۲) هر که در این بزم مقرب‌تر است    | جام بلا بیشترش می‌دهند        |
| ۳) لاف تقرب مزین به حضرت جانان     | زان که خموشند بندگان مقرب     |
| ۴) ای کاش جان بخواهد معشوق جانی ما | تا مدعی بمیرد از جان‌فشانی ما |

۱۸- بیت «چه غم دیوار اتمت را که دارد چون تو پشتیبان / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟» با کدام گروه ابیات، مفهومی مشترک دارد؟

(ریاضی ۸۷)

- |                                      |                                    |
|--------------------------------------|------------------------------------|
| الف) گر هزاران دام باشد هر قدم       | چون تو با مایی، نباشد هیچ غم       |
| ب) دست در دامن مردان زن و اندیشه مکن | هر که با نوح نشیند چه غم از طوفانش |
| پ) از آب دیده صدره طوفان نوح دیدم    | وز لوح سینه نقشت، هرگز نگشت زایل   |
| ت) هر دلی کز قبیل شادی او شاد بؤد    | گرش طوفان غمان بارد، غمگین نکند    |
| ث) هر که در سایه عنایت اوست          | گنهدش طاعت است و دشمن دوست         |
| ج) نه غم و اندیشه سود و زیان         | نه خیال این فلان و آن فلان         |
| چ) چون عنایات بود با ما مقیم         | کی بود بیمی از آن دزد لئیم؟        |

- ۱) الف - ب - پ      ۲) ت - پ - ب      ۳) ث - ج - چ      ۴) ث - الف - چ

۱۹- بیت «چه غم دیوار اتمت را که دارد چون تو پشتیبان / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

(زبان ۸۷)

- |  |                                     |
|--|-------------------------------------|
| ۱) هم گلستان خیالم ز تو پر نقش و نگار  | هم مشام دلم از زلف سمن‌سای تو خوش   |
| ۲) در ره عشق که از سیل بلا نیست گذر    | کرده‌ام خاطر خود را به تمّای تو خوش |
| ۳) در بیابان طلب گرچه ز هر سو خطری است | می‌رود حافظ بیدل به تولّای تو خوش   |
| ۴) مدعی خواست که از بیخ گند ریشه ما    | غافل از آن‌که خدا هست در اندیشه ما  |

(ریاضی ۸۷)

۲۰- بیت «این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند / کان را که خبر شد خبری باز نیامد، با مفهوم کدام بیت متناسب است؟

- |                                      |   |
|--------------------------------------|---|
| ۱) من نه کنون پا نهاده‌ام به خرابیات | بر سر این کوچه بوده‌ام ز اوایل              |
| ۲) دم نتوان زد به مجلسی که در آن‌جا  | مُهر خموشی زدند بر لبِ قایل (قایل = گوینده) |
| ۳) واسطه را با تو هیچ رابطه‌ای نیست  | کس به وصال تو چون رسد به وسایل              |
| ۴) پرده تن را به دست شوق دریدیم      | تا نشود در میان ما و تو حایل                |

۲۱- بیت «این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند / کان را که خبر شد خبری باز نیامد» با همه ابیات به غیر از بیت ..... تناسب معنایی دارد.

(هنر ۸۶)

- |                                   |  |
|-----------------------------------|--|
| ۱) گر برود جان ما در طلب وصل دوست | حیف نباشد که دوست، دوست‌تر از جان ماست |
| ۲) هر که را اسرار حق آموختند      | مُهر کردند و دهانش دوختند              |
| ۳) نالیدن بلبل ز نوآموزی عشق است  | هرگز نشنیدیم ز پروانه صدایی            |
| ۴) کسی را در این بزم، ساغر دهند   | که داروی بیهوشی‌اش در دهند             |



## پاسخ تمرین‌های تشریحی

### قلمرو زبانی

۱- کوتاهی کردن (در عبادت خداوند).

۲- ضمائر پیوسته، ضمائر شش‌گانه «م، ت، ش، مان، تان، شان» اند. ابتدا این ضمائر را در هر جمله بیابید. بعد ببینید که هنگام معناکردن هر عبارت، این ضمیر معادل کدام نقش دستوری است. در جمله «الف»، ضمیر پیوسته «ش» به «دولت» متصل شده است: در پناه دولتش ایمن نشینند ← در پناه دولت او ایمن باشند. «او» در این‌جا مضاف‌الیه است و ضمیر پیوسته «ش» نیز مضاف‌الیه است. در جمله «ب»: به زندانش فرستاد ← او را به زندان فرستاد. «او» در این‌جا مفعول است، پس ضمیر پیوسته «ش» نیز مفعول است.

در جمله «پ»: یکی گفتش از کاروانیان ← یکی از کاروانیان به او گفت. «او» در این‌جا متمم است. پس ضمیر پیوسته «ش» نیز متمم است. ۳- الف) فعل «بود» از انتهای جمله آخر حذف شده است: «ارادت صادق [بود]». این حذف، به قرینه لفظی است چرا که در جمله قبل این فعل مشاهده می‌شود: «یار موافق بود».

ب) موضعی خوش و خرم [بود] و درختان درهم [بودند]. گفתי که خرده‌مینا بر خاکش ریخته [است] و عقد ثریا از تاکش آویخته [است]. همه بخش‌های درون قلاب به قرینه معنوی حذف شده‌اند؛ زیرا در جملات دیگر مشاهده نمی‌شوند و باید از سیاق کلام به آن‌ها پی برد. پ) فعل «بودند» از انتهای جمله آخر حذف شده است: «منفذ کاروان بسته [بودند]». این حذف، به قرینه لفظی است؛ چرا که در جمله قبل این فعل مشاهده می‌شود: «بر سر کوهی نشسته بودند».

### قلمرو ادبی

۴- الف) «میدان عشق» اضافه تشبیهی است (عشق مانند میدان است) و «دل» به «گوی» تشبیه شده است («چون» ادات تشبیه است و «سرگشته» وجه‌شبهه). هم‌چنین از آن‌جا که شاعر دلش را مورد خطاب قرار داده، در بیت تشخیص نیز به چشم می‌خورد؛ در واقع هر وقت جسم بی‌جان را مورد خطاب قرار دهیم، مثل این است که او را مثل انسان فرض کرده‌ایم که می‌تواند بشنود و بفهمد.

د) بازی چوگان، «گوی»، توپ بازی بوده که هر کس آن را با ضربه «چوگان» به سمتی می‌رانده و میدان چوگان، معادل استادیوم فوتبال! شاعر می‌خواهد بگوید دلم در عشق سرگردان است؛ از این جهت عشق را مثل میدان دیده و دلش را مثل گوی.

ب) در بیت تشخیص وجود دارد، چون «باد» مورد خطاب قرار گرفته است (مثل «دل» در بیت بالا). در مصراع دوم نیز مقصود از «بت» معشوق است؛ و بنابراین در مصراع دوم استعاره وجود دارد. «دلستان» کنایه از معشوق است. ۵- باد، بیداد، گفتار، کردار؛ تاجم، محتاجم؛ عجب، عُذر؛ روا، رضا؛ مهجور، دور

### قلمرو فکری

۶- در بیت نخست شاعر می‌گوید: این دور از انسانیت است که وقتی حتی پرندگان لب به تسبیح خداوند گشوده‌اند (همه عالم در حال ستایش اوست) من ساکت باشم و سخنی در ستایش خداوند نرانم. در بیت دوم از دیباچه گلستان نیز شاعر بیان می‌کند که در حالی که همه جهان به خاطر رفع نیازهای انسان مطیع و فرمانبر خداوند گشته‌اند، انصاف نیست که انسان فرمانبر و مطیع خداوند نباشد.

## پاسخ تست‌ها

۶- گزینه ۳ میان «هست» و «می‌کنند» هیچ گونه سجعی برقرار نیست.

### بررسی سایر گزینه‌ها:

«نگیرد» و «نمیرد» در گزینه (۱)، «سر» و «زر» در گزینه (۲) و «آرد» و «دارد» در گزینه (۴) سجع دارند.

۷- گزینه ۴ در این بیت تشبیهی به چشم نمی‌خورد.

### تشبیه در دیگر گزینه‌ها:

گزینه (۱): دل به هاتف، همت به رواق (اضافه تشبیهی) / گزینه (۲): سخن (دوبار) به جان و بعد به جان‌دارو (نوش‌دارو) / گزینه (۳): روز به نوروز (روزش مثل نوروز بادا)

۸- گزینه ۴ در این گزینه همه ترکیب‌ها اضافه تشبیهی‌اند.

### بررسی سایر گزینه‌ها:

«مزید نعمت»، «شرط انصاف» و «مرغ سحر» در گزینه (۱)، «جیب مراقبت» و «امید اجابت» در گزینه (۲) و «سرور کاینات» و «درگاه خداوند» در گزینه (۳) اضافه تشبیهی نیستند.

۹- گزینه ۲ در این بیت «سرو سهی» استعاره از «شیرین» ملکه ساسانی است. در هیچ کدام از گزینه‌های دیگر استعاره به چشم نمی‌خورد.

۱- گزینه ۲ اگر این تست را غلط زده‌اید معنی واژه‌ها را در درس دوباره مرور کنید!

۲- گزینه ۳ اگر این تست را غلط زده‌اید معنی واژه‌ها را در درس دوباره مرور کنید!

۳- گزینه ۱ در گزینه (۲) منسوب، در گزینه (۳) قاصر و در گزینه (۴) تضرع غلط نوشته شده‌اند.

۴- گزینه ۳ در این گزینه کنایه‌ای دیده نمی‌شود.

### بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «دست بازداشتن» کنایه از ترک کردن و رهاکردن / گزینه (۲): «پیشانی گشاده داشتن» کنایه از خوش‌رویی و خوش‌برخورد بودن / گزینه (۴): «سفیدشدن دیده» کنایه از کورشدن و «چشم به راه بودن» کنایه از انتظار کشیدن

۵- گزینه ۱ سجع باید در پایان جملات آمده باشد (مگر آن‌که کلمه بعد از آن‌ها تکراری باشد)؛ بنابراین مکالمه و محادثه، قوت و مروت، در کشیدن و گردانیدن هیچ‌یک نمی‌توانند سجع باشند.

۱۶- **گزینه ۳** در این بیت، شاعر خداوند را به خاطر آفرینش انسان ستوده است. مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و ابیات گزینه‌های دیگر، ناتوانی از شکر خداوند به دلیل فراوانی نعمات اوست.

۱۷- **گزینه ۳** مفهوم بیت صورت سؤال، خاموشی عارف واقعی و رازپوشی عارفانه است. این مفهوم تنها در گزینه (۳) دیده می‌شود. معنی بیت گزینه (۳): به دروغ از نزدیکی‌ات به حضرت حق سخن نگو؛ چرا که بندگان نزدیک به خداوند، خاموشند (و مدعی نیستند).

۱۸- **گزینه ۴** بیت‌های «الف، ب، ث، ج» با بیت صورت سؤال ارتباط مفهومی دارند؛ بنابراین پاسخ تنها می‌تواند گزینه (۴) باشد. **مفهوم سایر ابیات:**

(پ) با وجود آن که بسیار گریستم (به اندازه صد طوفان نوح گریه کردم!) نقش تو از سینه من شسته نشد. (مفهوم: پایداری در عشق).

(ت) هر دلی که به خاطر شادی او شاد باشد، هزار طوفان غم نیز نمی‌تواند او را غمگین کند. (مفهوم: همیشگی بودن شادی بودن با معشوق)

(ج) نه غم سود و زیان هست و نه خیال این و آن! (مفهوم: بی‌دغدغه بودن و آسودگی!)

۱۹- **گزینه ۱** مفهوم مشترک در بیت صورت سؤال و هر سه گزینه دیگر این است که با وجود خداوند یا معشوق مؤمنان و عاشقان ترسی از بلا و مصیبت ندارند؛ اقا در گزینه (۱) شاعر صرفاً از سرشاربودن از عشق معشوق و فکر کردن به او سخن رانده است.

۲۰- **گزینه ۲** مفهوم مشترک در عبارت صورت سؤال و گزینه (۲) رازپوشی عارفانه است. (کسی که به اسرار الهی دست می‌یابد، زبانش خاموش می‌گردد). در هیچ کدام از گزینه‌های دیگر این مفهوم به چشم نمی‌خورد.

۲۱- **گزینه ۱** شاعر در این بیت از ایثار و جانفشانی برای یار سخن گفته است. مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و تمام ابیات دیگر، خاموشی عارف حقیقی و رازپوشی عارفانه است.

**مفهوم سایر ابیات:**

گزینه (۲): هر کس را از اسرار حق آگاه ساختند، دهانش را دوختند و مهر کردند که سخنی نگوید.

گزینه (۳): نالیدن بلبل از عشق و آذاهای او، به دلیل تازه‌کاربودن او در عشق است، وگرنه پروانه (عاشق حقیقی) سخنی از عشقش نمی‌راند.

گزینه (۴): در این بزم (میهمانی عشق) به کسی اسرار الهی را می‌آموزند که ابتدا او را از خود بی‌خود کرده باشند (تا نتواند از عشقش و اسرار آن سخنی بگوید).

۱۰- **گزینه ۲** مفهوم آیه صورت سؤال و هر سه گزینه دیگر، آن است که خداوند هر که را بخواهد عزت می‌بخشد و هر که را بخواهد به ذلت می‌کشانند.

مفهوم گزینه (۲): از گرفتاری دیگران شاد نشو، چون ممکن است تو هم روزی گرفتار شوی.

۱۱- **گزینه ۲** این بیت به رزاق بودن خداوند اشاره دارد و بیان می‌کند که خداوند به همه، چه دوست و چه دشمن رزق و روزی می‌رساند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه (۱): (به اراده خداوند) یک نفر به سعادت دست می‌یابد و دیگری به شقاوت و بدبختی.

گزینه (۳): خداوند بر سر یک نفر تاج خوشبختی می‌نهد و دیگری را از تخت شاهی، به خاک می‌اندازد.

گزینه (۴): خداوند آتش را بر ابراهیم علیه السلام گلستان می‌سازد و گروهی (لشکر فرعون) را با آب رود نیل به آتش (جهنم) می‌فرستد.

۱۲- **گزینه ۱** در این بیت شاعر از گشاده‌بودن ضیافت خداوند و دعوت کردن همه و بی‌منع بودن این ضیافت سخن رانده است؛ که با عبارت صورت سؤال قرابت مفهومی دارد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

در گزینه (۲) شاعر می‌گوید: تو باید ممنون مهمانت هم باشی، چرا که بر سفره نعمت‌های تو، از روزی خودش تغذیه می‌کنی! (آن چه را که خداوند روزی او قرار داده از طریق سفره تو دریافت می‌کند) در گزینه (۳) شاعر از تمام شدن عمر و این که باید از پای این سفره بلند شود شکایت دارد؛ در گزینه (۴) شاعر از این سخن می‌راند که بدون نعمت ممدوح او هیچ کس در این سال‌ها سفره‌ای نیاراسته است. (همه سفره‌ها از بخشش و انعام ممدوح آراسته است).

۱۳- **گزینه ۲** مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال با این گزینه، روزی رساندن خداوند با وجود گناه و عصیان است. در هر سه گزینه دیگر به روزی‌رسان بودن خدا اشاره شده، اقا به این که خداوند علیرغم گناه و عصیان نیز روزی انسان را قطع نمی‌کند اشاره نشده است.

۱۴- **گزینه ۲** در عبارت صورت سؤال به بی‌حساب‌بودن رحمت خداوند و فراگیربودن آن اشاره شده است. در بیت گزینه (۲) نیز شاعر به چانه زدن خداوند در روزی دادن (بی‌حساب بودن رحمت او) اشاره کرده است.

۱۵- **گزینه ۲** **معنی بیت:** شکر کردن، کلید گنج افزونی است (شکر کردن باعث افزون شدن نعمت می‌شود)؛ اگر به دنبال این گنج هستی کلید را از دست نده! در هیچ کدام از گزینه‌های دیگر این مفهوم دیده نمی‌شود.